

الدرس السابع

یا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ: ای آنکه شگفتی‌هایش در دریاهاست.

موضوع الدرس: الجار والمجرور

جملات در هر زبانی از دو بخش تشکیل می‌شوند:

۱- ارکان اساسی ۲- قیدها و متمم‌ها

در درس قبلی با انواع جمله و ارکان آنها و برخی قیدها مانند مضاف الیه، صفت آشنا شدیم. قصد داریم در این درس درباره متمم‌ها در زبان عربی صحبت کنیم. به این جمله توجه کنید:

دانش‌آموزان به کلاس رفتند: ذهب التلاميذ إلى الصف.

در زبان فارسی، «به» حرف اضافه و «کلاس» متمم و «به کلاس» گروه متمم نامیده می‌شود. معادل این دو کلمه در زبان عربی، «إلى الصف» است. گروه متمم را در زبان عربی «جار و مجرور» می‌نامند.

به هر یک حروف «مَنْ، فِي، إِلَى، عَلَى، بِ، لَ، عَنْ، كَ» در زبان عربی «جار: حرف جر» و به اسم بعد از آن «مجرور» و به هر دو کلمه با هم، «جار و مجرور» گفته می‌شود. جار و مجرور باعث کامل‌تر شدن معنای جمله می‌شوند، ولی از جمله قابل حذف هستند. مثال:

مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ

معانی حروف جر		
مَنْ	از	﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲ تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)
		﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱ دست‌بندهایی از جنس نقره

فی	در	﴿ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ﴾ الْبَقَرَة : ٢٩ او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.
إلى	به	﴿ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ ﴾ الْإِسْرَاء : ١ گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنیات بنگر.»
سوی	به	﴿ سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ﴾ الْإِسْرَاء : ١ پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
تا		كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ. كَشَاوِرُزْ أَوْ صَبْحِ تَا شَبِ دَر مَزْرَعِه کار می‌کرد.
علی	بر	الْتَّاسُ عَلَي دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
روی		الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمِنْضَدَةِ. كَيْفِ رُوي مِيزِ اسْتِ. مای درس
به وسيله	به	﴿ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴾ الْعَلَق : ٣ و ٤ بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.
در	در	﴿ وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ ﴾ آل عمران : ١٢٣ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد. www.my-dars.ir

لـ	داشتن	لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.
	از آن	﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الْكَافِرُونَ: ٦ دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.
	برای	لِمَاذَرَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.
عَنْ	از	﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ﴾ الشُّورَى: ٢٥ او کسی است که توبه را از بندگان می پذیرد و از بدی ها درمی گذرد و آنچه را انجام می دهید؛ می داند.
	درباره	﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ...﴾ الْبَقَرَةَ: ١٨٦ و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.
گـ	مانند	فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

نکته ۱: گاهی اوقات از جار و مجرور به عنوان خبر در جمله استفاده می شود و از جمله قابل حذف نیست. مثال:

النَّجَاهُ فِي الصَّدَقِ: رهایی در راستگویی است. جار و مجرور = خبر

﴿سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَاةِ﴾: سلامت زندگی در مهربانی (با مردم) است. جار و مجرور = خبر

نکته ۲: گاهی اوقات، خبر جار و مجرور با هدف تأکید بر یک موضوع، قبل از مبتدا قرار می گیرد. مثال:

فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ: (قطعاً) آسیب هایی در به عقب انداختن (کار) وجود دارد.

فِي الصِّدَاقَةِ نَجَاةٌ: (بدون شک)، رهایی در راستگویی است.

استاد: دکتر نعمت الله مقصودی

مبحث: جزوه جامع عربی دهم

نونُ الوقایةِ

یک قاعده کلی در زبان عربی به نام تناسب حروف «و - ا - ی» با حرکت قبل وجود دارد که باید رعایت شود؛

(_____ و) (_____ ا) (_____ ی)

به هنگام اتصال یک فعل به ضمیر (ی) مفعولی نیز باید این تناسب وجود داشته باشد. اما این نکته را بدانید که هیچ فعلی در زبان عربی مجرور (_____) نمی‌شود. بنابراین برای جلوگیری از این اتفاق و محافظت فعل از مجرور شدن، قبل از ضمیر (ی) از یک حرف (نـ) کمک می‌گیریم. به همین علت به این حرف «نون وقایة» گفته می‌شود.

مثال:

هو نصرني في إداء واجبات المدرسة: دوستم مرا در انجام تکالیف مدرسه یاری کرد.
هل أنت تعرفني؟: آیا مرا می‌شناسی؟
هم يحترموني: آنها به من احترام می‌گذارند.

مای درس

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ ابراهیم .ع

www.my-dars.ir

۲- اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ